

روند توسعه سیاسی در ایران از سال ۱۳۶۸ تاکنون بر اساس رویکرد آماریتیا کومار سن

مریم همت‌خواه*
علیرضا ازغندی**
مصطفی ابطحی***
محمد مهدی مجاهدی****

دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵
پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵

چکیده

توسعه به مثابه آزادی از دیدگاه آماریتیا سن و توسعه سیاسی که در آن نقش جامعه و وظیفه دولت در یک رویه تکمیلی دوسویه به عنوان هدف توسعه است، موضوع اصلی پژوهش است. آماریتیا سن از یکسو با اشاره به نقش جامعه به احزاب و نشریات بدون سانسور و از سوی دیگر، متأثر از ارسطو بر جایگاه دولت به عنوان نهادی حمایتگر به تعامل و جهان‌گرایی به عنوان سنجه‌های توسعه سیاسی تأکید دارد. این نگاه دوسویه آماریتیا سن مبتنی بر شهروندی فعال و نقد دولت بی‌طرف چارچوب روشی مقاله را در مسیر اجتماع‌گرایی قرار داده است. مسئله اصلی پژوهش بررسی توسعه سیاسی از دولت هاشمی تاکنون بر اساس سنجه‌های آماریتیا سن یعنی احزاب، تضمین شفافیت و دولت است و در پاسخ به سؤال روند توسعه سیاسی در ایران از منظر سن چگونه بوده است؟ فرضیه بیانگر آن است که سنجه‌های توسعه سیاسی مورد نظر آماریتیا سن در مورد ایران از ارتباط تکمیلی و پیوسته برخوردار نبوده، لذا توسعه سیاسی به مفهوم گسترش آزادی‌های اساسی که جامعه از آن برخوردار شود، صورت تحقق کامل به خود نگرفته است. این پژوهش با روش تاریخی، تحلیلی به موضوع پرداخته است.

واژگان کلیدی

روند، توسعه سیاسی، آزادی، ایران، آماریتیا سن

* دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
azghandialireza@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

**** استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

جامعه ایران از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون فراز و نشیب‌های زیادی را در مسیر «توسعه»^۱ سیاسی تجربه کرده است. تأکید نوبه‌ای هر یک از دولت‌ها بر توسعه سیاسی و اقتصادی متأثر از میزان توجه به اسناد بالادستی، الزامات و شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی منجر به حرکت سینوسی در راه نیل به توسعه شده است. با توجه به این واقعیت، در پیش گرفتن یک رویکرد منسجم که در آن قابلیت پیوند میان مؤلفه‌های توسعه سیاسی وجود داشته باشد، ضرورت امروز کشور را بیش از هر زمان دیگر نمایان می‌کند.

بررسی روند توسعه سیاسی در دولت‌های هاشمی، خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی بر اساس سنجه‌های موردنظر آمارتیا سن از توسعه سیاسی مسئله پژوهش حاضر بوده است.

«آمارتیا سن»^۲ در بحث توسعه سیاسی بر سنجه‌هایی همچون شهروندی فعال و احزاب سیاسی، «تضمین شفافیت»^۳، مطبوعات آزاد و تأکید بر نقش دولت حمایتگر مبتنی بر تعامل و جهان‌گرایی تأکید دارد. با توجه به اشاره دوسویه آمارتیا سن بر نقش شهروندان و وظیفه دولت در یک رویه تکمیلی بنا بر آنچه که خود اذعان می‌کند، وی تحت تأثیر ارسطوست. از نظر آمارتیا سن در یک طرف توسعه، این انسان است که به‌عنوان یک کنشگر فاعلی نقش‌آفرین بوده و مسئولیت تغییر جامعه خود را بر عهده دارد. بر این اساس، فقر نیز به مفهوم محرومیت انسان از قابلیت‌ها و عدم دسترسی به «آزادی‌های سیاسی»^۴ معنا می‌یابد. در سوی دیگر توسعه، این دولت است که با ترتیبات اجتماعی حاکم بر دسترسی افراد به انواع آزادی‌ها برای نیل به توسعه اثرگذار است.

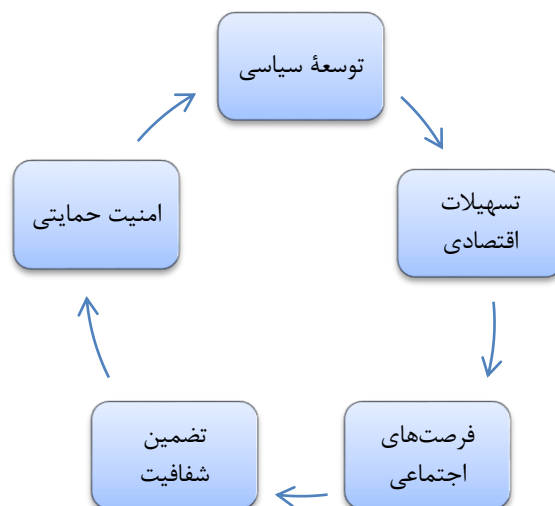
در پاسخ به سؤال اصلی یعنی چگونگی روند توسعه سیاسی در ایران از سال ۱۳۶۸، بر اساس یافته‌های موجود و بررسی موقعیت شهروندان در بستر جامعه و نقش دولت در تعامل با آن، فرضیه پژوهش بیانگر آن است که توسعه سیاسی بر اساس سنجه‌های موردنظر سن یعنی شهروندان فعال و دولت تعامل‌گر صورت تحقق کامل به خود نگرفته است.

از جمله مفاهیم اصلی مورد نظر آمارتیا سن، «آزادی» و «توسعه» بوده که از آزادی به عنوان هدف و ملاک ارزیابی توسعه یاد کرده و توسعه را فرایندی کیفی و چندوجهی دانسته است.

با توجه به تأکید آمارتیا سن به مؤلفه‌هایی مانند توسعه، آزادی، «عدالت»^۵، تعامل، جهان‌گرایی و آزادی مطبوعات که همگی حول محور انسان کنشگر فعال و دولت مسئول است، به لحاظ روشی وی در حوزه متفکران اجتماع‌گرا قرار دارد که در واقع روش تحقیق حاضر را تشکیل داده است. این مقاله بر اساس مؤلفه‌های مورد نظر آمارتیا سن در صدد بررسی روند توسعه سیاسی در دولت‌ها از ۱۳۶۸ تاکنون است.

۱. چارچوب مفهومی

توسعه به مثابه آزادی: مبحث توسعه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مورد نظر آمارتیا سن در مفهوم آزادی است که وجه اشتراک موضوعی با پژوهش حاضر دارد. به تعبیر سن، آزادی همان نقش‌آفرینی افراد جامعه تحت تأثیر فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که به توسعه می‌انجامد؛ به عبارت دیگر، آزادی و توسعه مکمل یکدیگرند، به طوری هریک از آزادی‌های پنج‌گانه («آزادی سیاسی»، «تسهیلات اقتصادی»^۶، «فرصت‌های اجتماعی»^۷، «تضمین شفافیت» و «نظام حمایتی»^۸) به صورت حلقه‌های متصل به هم برای نیل به توسعه است (سن، ۱۳۹۶، ص ۲۹). دیدگاه نظری آمارتیا سن تلاشی است برای درک و بازبینی ساختار به هم پیوسته آزادی‌ها در راستای تحقق توسعه و توجه به اعتلای آزادی‌های فردی و تعهد اجتماعی به عنوان اصل سازمان‌دهنده‌ای که تمام این اجزا را در یک کلیت جامع در جای خود قرار می‌دهد.



شکل ۱. ارتباط به هم پیوسته آزادی‌های پنج گانه آمارتیا سن

توسعه از نظر آمارتیا سن به مفهوم گسترش آزادی‌های اساسی است. نیل به توسعه در گرو رفع تنگناهای عمده «ناآزادی‌های»^۹ موجود است (سن، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴).

مفهوم آزادی‌های سیاسی و تضمین شفافیت

به باور سن، آزادی‌های مدنی و سیاسی اهمیت مستقیمی در زندگی دارند و نباید مطلوبیتشان را بر اساس مقولات اقتصادی توجیه کرد. مردمی که از حقوق مدنی و آزادی‌های سیاسی محروم‌اند، حتی اگر گرفتار عدم امنیت اقتصادی نباشند و به هر دلیل از شرایط مطلوب اقتصادی نیز بهره‌مند باشند، باز هم از آزادی‌های مهمی در تعیین مسیر زندگی خویش و از فرصت مشارکت در تصمیمات عمده مربوط به امور عمومی کشور محروم خواهند بود (سن، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷).

توسعه سیاسی به عنوان یکی از حلقه‌های موردنظر سن مستلزم تحقق سنجه‌هایی به شرح ذیل است:

۱-۱. شهروندی فعال

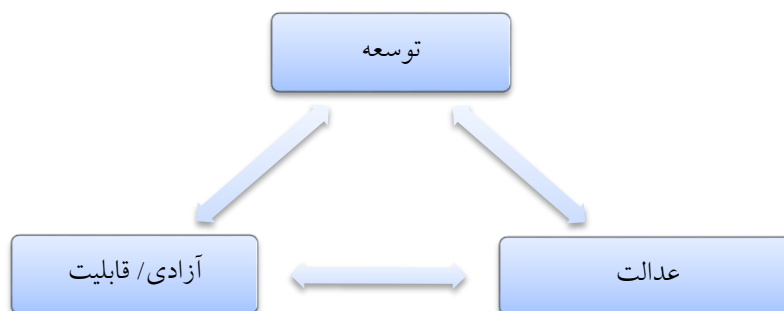
چنانچه آمارتیا سن می‌گوید: آزادی‌های مؤثر شامل آزادی عمل شهروندانی است که وجودشان اهمیت دارد و رأیشان به حساب می‌آید، نه رعایایی که خوب می‌پوشند، خوب می‌خورند و خوب پذیرایی می‌شوند (سن، ۱۳۹۶، ص ۴۳۱).

اگر به تعبیر ارسطو مشارکت در فعالیت‌های سیاسی بالاترین فضیلت شهروند است. چنانکه بهترین معیار شهروندی محض متعلق به کسی است که حق اشتغال به وظایف دادرسی و احراز مناصب را دارا باشد (ارسطو، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱). به باور سن نیز میان آزادی و مسئولیت وابستگی متقابل و ارتباطی دوجانبه وجود دارد. برخورداری از آزادی و توانمندی انجام هر کار فرد را ملزم می‌کند که به انجام یا عدم انجام آن اقدام کند و این امر خود مستلزم مسئولیت شخصی است. به این تعبیر آزادی شرط لازم و کافی مسئولیت است.

سن با طرح مفهوم قابلیت که مظهر آزادی است، می‌گوید برابری در آزاد بودن برای نیل به اهداف را نمی‌توان از تعمیم برابری امکانات اولیه حاصل نمود بلکه باید تفاوت‌های میان فردی را در تبدیل امکانات اولیه و منابع به قابلیت‌های مربوطه جهت تعقیب اهداف و مقاصد در نظر گرفت (سن، ۱۳۷۹، ص ۱۳۳).

به باور سن در سایه تساهل و مدارا، مردم‌سالاری فرصتی ایجاد می‌کند که هم به اهمیت ابزاری آن و هم به نقش سازنده آن مربوط است. ولی اینکه این فرصت‌ها با چه توانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند، به عواملی چند بستگی دارد؛ از جمله وجود سیاست‌های چندحزبی و پویایی بحث‌های اخلاقی و ارزش‌آفرین. درواقع پویایی احزاب مخالف در جوامع غیرمردم‌سالار نیز مانند جوامع مردم‌سالار قدرتی مهم به حساب می‌آید (سن، ۱۳۹۶، ص ۲۸۴).

باور سن به عدالت که یکی از وجوه اشتراک با اجتماع‌گرایان نیز است از طریق تحقق شهروندی، به‌عنوان هویت فرد و در مسیر مشارکت، همدلی و تعامل درون اجتماع سیاسی میسر بوده و در جریان دسترسی شهروندان در نیل به قابلیت فردی از جمله احزاب سیاسی و تشکل‌های مردم‌نهاد محقق می‌شود.



شکل شماره ۲. ارتباط تحقق توسعه با عدالت و آزادی

۲-۱. تضمین شفافیت

آمارتیا سن از رسانه عمومی به عنوان تضمین شفافیت یاد می کند و نقش آن را به مثابه دستگاه گردش خون و پالاینده مردم سالاری می داند. سن می گوید: ما حق داریم که آزادی بیان و عمل را در زندگی خویش ارزشمند بدانیم. شکل گیری آگاهانه و دسته بندی شده ارزش هایمان هم نیازمند آزادی ارتباط و تبادل نظر و آزادی های سیاسی است و حقوق مدنی می تواند در این زمینه نقشی محوری ایفا کند. برای بیان آزادانه ارزش هایمان و جلب توجه به این ارزش ها به آزادی بیان و حق انتخاب دموکراتیک نیاز داریم (سن، ۱۳۹۶، ص ۲۸۰).

از نظر سن رسانه های آزاد و سالم به دلایل مختلف پراهمیت اند و نگاهی به آثار شاخص آن بی مناسبت نیست. نخستین و شاید اساسی ترین وجه این آثار نقش مستقیم آزادی بیان به طور اعم و آزادی مطبوعات به طور اخص در کیفیت زندگی ماست. آزادی رسانه در مسیر فهم بهتر جهانی که در آن زندگی می کنیم و با وجود دلایل کافی برای پیوند هرچه بیشتر ما با یکدیگر اهمیت خاصی می یابد و نقشی مهم در ارتقای توان ما برای تحقق آن دارد. شکل گیری آگاهانه و آزادانه ارزش ها فراگردی دوسویه و مستلزم آزادی بحث و مراوده است که در این میان، آزادی مطبوعات نقشی بنیادین در این فراگرد و تحقق این تعاملات دارد (سن، ۱۳۹۶، صص ۴۱۹-۴۲۰).

۳-۱. نقد دولت بی طرف

سن معتقد است مردم را نمی توان افرادی منفعل تلقی کرد که تنها از فرایند توسعه متمتع می شوند. افراد بالغ و مسئول باید کارگزار رفاه خویش باشند و اینکه چگونگی استفاده از توانمندی هایشان را خودشان باید تعیین کنند. توانمندی های هر کس در گرو چگونگی ترتیبات اجتماعی جاری است. در این میان نه دولت و نه اجتماع نمی توانند از مسئولیت خویش شانه خالی کنند (سن، ۱۳۹۶، ص ۴۳۲).

همان طور که اجتماع گرایان شهروند بی طرف و غیرفعال را در امور سیاسی و غیرمدنی به نقد می کشند و با دولت بی طرف هم مخالف هستند (جاویدی و مهرمحمدی، ۱۳۸۵، ص ۲۸)؛ به طوری که شهروندان فقط از طریق دیدگاه های موقعیت مند اجتماعی به درک و فهم اندیشه مندانه از منفعت خود می رسند و از این رو دخالت دولت در امور سیاسی- اجتماعی امری ضروری است (زائری، ۱۳۸۴، ص ۴۵۵).

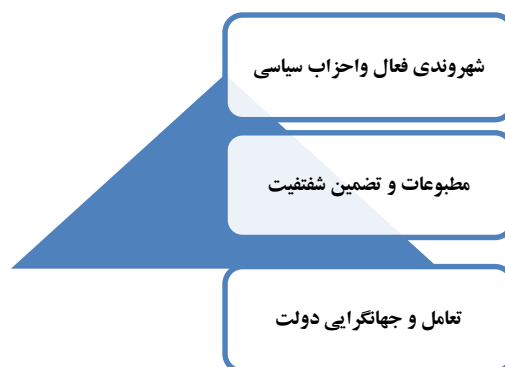
آمارتیا سن نیز معتقد است که دولت در کنار وظیفه حمایت از افراد جامعه، موظف به فراهم کردن وسایل لازم، تربیت شهروندان خوب و با فضیلت است.

۴-۱. جهان گرایی

به اعتقاد آمارتیا سن در دنیای معاصر به رسمیت شناختن تنوع در فرهنگ های گوناگون از اهمیتی شایانی برخوردار است. فهم و درک ما از این تنوع، تحت الشعاع بمباران های مداوم کلی گویی های سطحی از قبیل تمدن غرب ارزش های آسیایی، فرهنگ آفریقایی و جز این ها قرار دارد. بسیاری از این قرائت ها از تاریخ و تمدن، نه تنها از نظر روشنفکری سطحی است بلکه در تفرقه جهانی که در آن زندگی می کنیم نیز مؤثر است (سن، ۱۳۹۶، ص ۳۸۶).

سن ادامه می دهد که مردمان گوناگون با فرهنگ های متنوع از ارزش های مشترک فراوانی برخوردارند و بر سر پاره ای تعهدات توافق دارند. وی آزادی را به عنوان یک ارزش برتر و سامان دهنده، یکی از جنبه های قوی پیش فرض جهان گرایی معرفی می کند.

بر اساس سنجه‌های موردنظر آمارتیا سن در بحث توسعه سیاسی متمرکز بر شهروندی فعال و احزاب سیاسی، تضمین شفافیت و دسترسی به مطبوعات آزاد و سرانجام، اعتقاد به جهان‌گرایی در صدد رسیدن به پاسخ سؤال اصلی پژوهش یعنی روند توسعه سیاسی در کشور به روش توصیفی-تحلیلی در دولت هستیم.



شکل شماره ۳. سنجه‌های توسعه سیاسی از دیدگاه آمارتیا سن

۲. توسعه سیاسی و دولت در ایران

با نگاهی به تاریخ توسعه سیاسی در ایران می‌توان اذعان داشت که تلاش برای نیل به آن از سوی دولت‌ها در طول چهار دهه اخیر همواره وجود داشته است. از دولت سازندگی تا دولت تدبیر و امید هر کدام با نگرش خاص خود و اتخاذ راه‌ها و تدابیری در مسیر توسعه گام برداشته‌اند. هرچند نمی‌توان در بررسی هر کدام از دولت‌ها شرایط متفاوت زمانی، امکانات و بستر داخلی و بین‌المللی آن‌ها را نادیده گرفت، اما مؤلفه مشترک فرایند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران حرکات سینوسی و بی‌ثباتی آشکاری است که به‌عنوان یک واقعیت مشهود است.

درحالی‌که از دیدگاه آمارتیا سن امکان تحقق روند توسعه سیاسی با گسترش آزادی‌های موردنظر از سوی دولت در یک فرایند تکمیلی است که جامعه می‌تواند از آن برخوردار شود و در مقابل، عدم برخورداری از آن را به‌مثابه ناآزادی قلمداد می‌کند. سؤال اینجاست که روند توسعه سیاسی در گذر هر یک از دولت‌ها از منظر آمارتیا سن چگونه بوده است؟

۲-۱. احزاب سیاسی

از پایان جنگ تا خرداد ۱۳۷۶ را می‌توان دوره پذیرش قهری فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی تعبیر کرد. پایان جنگ، شروع فعالیت جدیدی برای جامعه سیاسی ایران بود که در آن یکپارچگی ناشی از وجود عامل خارجی (جنگ) جای خود را به امکان بروز اختلافات فکری داد؛ به گونه‌ای که خواسته‌های اجتماعی به تدریج رنگ سیاسی به خود گرفت. دولت در برخورد با این واقعیت دو راه بیشتر پیش رو نداشت: اول. بالا بردن ظرفیت سیاسی نظام و نهادینه کردن خواسته‌ها و دوم: سرکوب تقاضاهای سیاسی. از آنجاکه گفتمان مسلط در حوزه سیاسی بیشتر حفظ محور بود. در همین راستا دولت سازندگی تمام تلاش خود را به کار برد تا در جهت نیل به توسعه اقتصادی سریع، اوضاع کشور را ثبات بخشد. هاشمی رفسنجانی در تحلیل این شرایط می‌گوید: «... هر چه زودتر باید برسیم به دوره‌ای که کشور از نظر نهادها تثبیت شود... انتقادات موجب اختلاف می‌شود. مردم اعتمادشان را از دست می‌دهند... کشور شرایط خاصی دارد» (رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۲۶).

از نظر هاشمی رفسنجانی فعالیت گروه‌ها و تشکیلات تا آنجا معنی داشت که در راستای اهداف مورد نظر اقتصادی وی فعالیت می‌کردند. او می‌گوید: من تعریف‌های موجود در قالب دسته‌هایی چون چپ، راست، سستی و مدرن را قبول ندارم، دو تعریف بیشتر وجود ندارد: پیروی از خط امام و سازندگی و نقطه مقابل آن (مرتجی، ۱۳۷۸، ص ۴۲۵). درواقع، دولت سازندگی دو هدف محوری و مهم را در برخورد با احزاب و گروه‌ها مدنظر قرار داده بود: یکی محدود کردن تأسیس گروه‌های جدید و سپس، ایجاد وحدت میان گروه‌های موجود. در اثر این عوامل در مقطع زمانی مزبور شاهد کمترین میزان مشارکت و فعالیت احزاب و تشکیلات در سطوح مختلف جامعه هستیم.

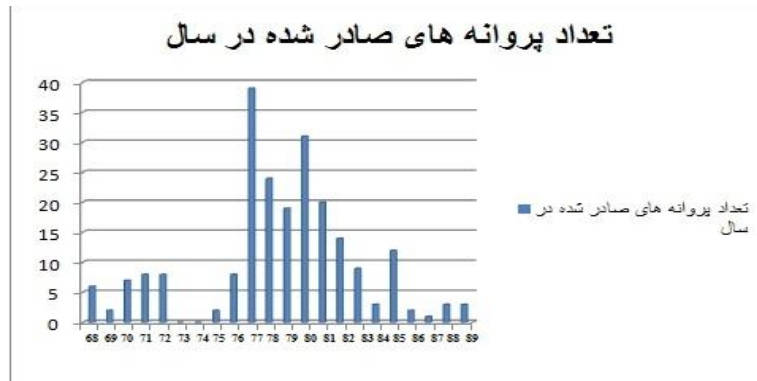
احزاب، تشکیلات، سازمان‌ها، کانون‌ها و انجمن‌هایی که در دوران سازندگی به آن‌ها مجوز داده شد، شامل ۱۰ انجمن، ۱۳ جامعه، ۲ جمعیت، ۵ کانون، یک مجمع، یک خانه کارگر، یک سازمان و یک حزب است. نکته بارزی که در این اسامی قابل استنباط است، این‌که تنها یک اسم به نام حزب در آن دیده می‌شود که «حزب مؤتلفه اسلامی» است. درواقع اولویت دادن به توسعه اقتصادی، غفلت از

حوزه‌های سیاسی و به تبع آن، روند کند فعالیت احزاب و تشکلهای سیاسی را به دنبال داشت (سفیری، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵).

واقعیت این است که در دوره هاشمی رفسنجانی تلاش چندانی برای توسعه سیاسی صورت نگرفت؛ لذا فشارهای سیاسی و اجتماعی به صورت یک ظرفیت در افزایش بود. درحالی که تشکیل نهادهایی از قبیل اتحادیه‌ها، احزاب، تشکلهای اصناف جزء جدایی‌ناپذیر جامعه مدنی به حساب می‌آیند، وجود این نهادها در مدت زمان ریاست جمهوری هاشمی در حداقل ممکن و از بسیاری جهات با موانع انبوه دستگاه دیوانسالار مواجه شده بود (صادقی، ۱۳۷۸، ص ۶۱).

ظرفیت انباشته شده در انتظارات سیاسی مردم در قالب گفتمان دوم خرداد نمایان شد؛ به عبارت دیگر، این گفتمان را می‌توان دوره آزادسازی سیاسی در مقابل آزادسازی اقتصادی دولت سازندگی تلقی کرد؛ زیرا دولت اصلاحات درصدد ایجاد تغییرات اساسی در عرصه سیاسی و گسترش حقوق و آزادی‌های مدنی در راستای برابری و حقوق شهروندی بود (شفیعی فر، ۱۳۹۴، ص ۱۲۰).

تحلیل آماری پروانه‌های صادرشده برای احزاب و تشکلهای سیاسی طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ حاکی است در دوره اول رؤسای جمهور جهش بیشتری به سمت تشکلهای سیاسی وجود داشته اما شیب صدور پروانه احزاب در چهار سال دومشان کاهش پیدا می‌کند؛ به طوری که در دوره خاتمی بیشترین تعداد پروانه‌های صادره در سال ۱۳۷۷ بوده و بعدازآن شیب صدور مجوز در دولت دوم خاتمی کاهش چشمگیر داشته است (روزنامه همشهری، ۱ مهر ۱۳۹۱).



شکل شماره ۴. تعداد پروانه های صادر شده از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۹

با پیروزی خاتمی در دور دوم انتخابات، جناح چپ ضمن تجدید سازمان سیاسی و تأسیس حزب جدید مشارکت به دنبال به دست گرفتن قدرت در قوه مقننه بود که این حزب تازه تأسیس به کمک روزنامه های اصلاح طلب در به دست گرفتن اکثریت کرسی های مجلس نقش مهمی ایفا کرد. احزاب سیاسی در دوره خاتمی برای حفظ و گسترش قدرت تلاش زیادی داشتند ولی نتوانستند اعتماد عمومی را به خود جلب کنند و همچنان سایه دولتی بودن بر سرشان سنگینی می کرد. رادیکال ترین اقدامات احزاب در دوره اصلاحات در سال ۷۶ تا ۷۸ و سال پایانی آن، یعنی ۸۲ بود که در این دوره نیز عملاً رقابت قدرت بین احزاب به دو دسته اصلاح طلبان و اصول گرایان رسیده بود و در یک رقابت سخت جریان اصول گرا اعتماد مردم را جلب کرد و اصلاح طلبان از همه روش های استفاده شده مانند فشارهای قانونی از طریق نهاد مجلس به برخی نهادها از جمله شورای نگهبان، سپاه پاسداران، طرح استعفا از نمایندگی مجلس و تحصن ۲۶ روزه در آن، نامه سرگشاده و اعلام وضعیت بحرانی در کشور نتوانستند اعتماد دوباره مردم را برای حمایت از جناح اصلاح طلب جلب کنند (اکبری، ۱۳۸۸، ص ۷۲).

چرخش گفتمان توسعه از اصلاحات به سمت اصول گرایی به صورت گام به گام با پیروزی آبادگران در انتخابات شورای شهر و اصول گرایان در مجلس هفتم با روی کار آمدن احمدی نژاد کامل شد؛ در واقع، وی از آن رو پیروز شد که توانست طبقات سستی پایین و متوسط را با شعارهای مردم پسند جذب کرده، خود را از محافظه کاران

ستی که در نظر مردم کار چندانی برای توده‌ها انجام نداده بودند، متمایز سازد. به‌علاوه احمدی‌نژاد نهایت استفاده را از فقری که طی سالیان متمادی در مردم به‌سبب وجود فساد در بین بسیاری از دولتمردان ایجاد شده بود، برد (2007, p.163, Ehteshami and Zweiri).

بیشترین تعداد پروانه‌های احزاب و تشکل‌های سیاسی در دولت اول محمود احمدی‌نژاد در سال ۸۵ صادر شد و پس‌از آن این حوزه با روند کاهشی فراوانی مواجه شده است.

با اتمام ریاست جمهوری احمدی‌نژاد و روی کار آمدن دولت روحانی آمارها حاکی است که در پایان دولت خاتمی تعداد ۷۰۰ نهاد روی کار آمدند، هرچند این تعداد در دولت‌های نهم و دهم به ۱۰۰ سمن کاهش یافت؛ ولی در دولت یازدهم نزدیک به ۱۲۰۰ سمن شکل گرفته است (قریشی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۷۱).

همچنین بنا بر آمار وزارت کشور در دولت یازدهم با درخواست تأسیس ۴۰ حزب جدید موافقت شد که از این تعداد ۲۵ حزب مجوز فعالیت دائم دریافت کرده‌اند.

خانه احزاب نیز که در دولت گذشته تعطیل شده بود، در دولت یازدهم به‌عنوان یک نهاد اثرگذار با ترکیب سه فراکسیون اصلاح‌طلب، اصول‌گرا و مستقل در راستای حمایت از توسعه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی راه‌اندازی شد (ایرنا، ۷ بهمن ۱۳۹۷، کد خبر ۸۳۱۸۵۲۶۳).

جدول شماره ۵. تعداد صدور پروانه احزاب و تشکل‌های سیاسی در دولت نهم

ردیف	نام تشکل	تاریخ صدور پروانه
۱	مجمع اسلامی آرمان ملت ایران	آبان ۸۵
۲	کانون دانش‌آموختگان دانشگاه‌های تبریز	مرداد ۸۴
۳	کانون دانشگاهیان ایران اسلامی	مرداد ۸۴
۴	سازمان توسعه سازندگی ایران اسلامی - استان تهران	شهریور ۸۴
۵	حزب نواندیشان ایران اسلامی	آبان ۸۵
۶	حزب زنان جمهوری اسلامی	آبان ۸۵
۷	حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی	بهمن ۸۶
۸	حزب ثقلین	آبان ۸۵
۹	حزب نیک‌اندیشان ایران اسلامی	آبان ۸۵
۱۰	حزب جوان	خرداد ۸۵
۱۱	حزب اعتماد ملی	تیر ۸۵
۱۲	جمعیت دفاع از تولید ملی	آبان ۸۵
۱۳	جمعیت همگامان توسعه	آبان ۸۵
۱۴	جمعیت مدافعین عدالت کرمان	آبان ۸۵
۱۵	جمعیت توسعه و آبادانی استان تهران	مهر ۸۷
۱۶	حزب اسلامی ایران‌زمین	آذر ۸۸
۱۷	جمعیت آبادگران عدالت‌خواه ایران اسلامی	مهر ۸۸
۱۸	جمعیت ره‌پویان انقلاب اسلامی	دی ۸۸
۱۹	جامعه فاطمیون	آبان ۸۵
۲۰	دانش‌آموختگان دانشگاه آزاد اسلامی تهران	شهریور ۸۶

(روزنامه همشهری، ۱ مهر ۱۳۹۱)

۲-۱. آیا وجود احزاب ضامن توسعه سیاسی است؟

پرسشی که پس از بررسی چهار دهه حیات سیاسی احزاب در ایران مطرح می‌شود، این‌که آیا وجود احزاب به‌عنوان یکی از سنجه‌های موردنظر آمارتیا سن در تحقق توسعه سیاسی به‌مثابه آزادی است؟ یا برعکس، به مفهوم یکی از «ناآزادی‌های» موردنظر سن عمل کرده است؟ آیا قابلیت انسانی و عدالت در احزاب سیاسی شکل تحقق به خود گرفته و دولت توانسته از جامعه شهروندانی فعال و کنشگر در روند توسعه سیاسی بیافریند؟

یافته‌ها بیانگر آن است که احزاب و گروه‌های سیاسی در اثرگذاری بر قدرت و ایفای نقش در عرصه سیاسی- اجتماعی دارای خصلتی موسمی و موقت و کارکرد وارونه از بالا به پایین بوده‌اند. به‌طوری‌که عمدتاً در زمان انتخابات اوج گرفته و اغلب متکی به شخص و نزدیک به دولت می‌باشند. احزاب کلیدی و شاخصی مانند حزب کارگزاران در دولت هاشمی، حزب مشارکت در دولت خاتمی، حزب آبادگران و یا جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در دولت احمدی‌نژاد و سرانجام حزب اعتدال و توسعه در دولت روحانی همگی گویای این واقعیت است که نتیجه آن نبود کارکرد مداوم و از دست دادن قدرت اثرگذاری و پشتوانه مردمی مستمر در بدنه جامعه است. درواقع دولتی بودن احزاب در کشور نتوانسته قابلیت موردنظر آمارتیا سن را در ایجاد شهروند فعال محقق کند.

به باور سن، نیل به توسعه و عدالت اجتماعی تنها وابسته به وجود نهادها نیست بلکه به کارکرد آن‌ها هم بستگی دارد (سن، ۱۳۹۶، ص ۲۸۷)؛ بنابراین، اگر از نظر آمارتیا سن وجود نهادهای سیاسی و اجتماعی را صرفاً نه در قالب وجودی بلکه در نقش کاربردی بررسی کنیم، در مورد سنجه اول، یعنی احزاب سیاسی به مفهوم «ناآزادی حقیقی» موردنظر آمارتیا سن می‌رسیم. به باور سن از آنجاکه آزادی‌های سیاسی و مدنی عوامل اساسی آزادی بشرند، محرومیت از آن‌ها به‌خودی‌خود یک تنگنا و عامل بازدارنده است (سن، ۱۳۹۶، ص ۱۲۸).

۲-۲. تضمین شفافیت و مطبوعات آزاد

به‌طور کلی از رسانه به‌عنوان رکن چهارم مردم‌سالاری یاد می‌شود. اطلاع‌رسانی، بیان صادقانه خواسته‌ها و مطالبات مردم، نقد سازنده و راهکارهای مفید از کارکردهای مثبت جامعه مطبوعاتی توسعه‌یافته است. در دهه اول انقلاب (۱۳۵۷-۱۳۶۷) مطبوعات ایران در اثر جنگ رشد چندانی نداشته و طی این دوره در مجموع ۱۰۸ نشریه جدید منتشر شده و تعداد نشریات کشور در سال ۱۳۶۷ به ۳۸۳ عنوان و در سال ۱۳۶۸ به ۴۰۰ عنوان بالغ گردیده است. تعداد مطبوعات دارای مجوز کشور در سال ۱۳۵۷ به ۹۳۱ و در سال ۱۳۷۷ به ۱۱۱۷ عنوان افزایش یافته است که از این تعداد در سال ۱۳۷۷، ۸۴۶ عنوان منتشر شده است و مابقی به دلایل مختلف نرسیدن به مرحله انتشار، توقف و لغو مجوز منتشر نشده است. طی دهه اول انقلاب نیز ۱۱۳ عنوان مطبوعات منتشر شده است. تا پایان سال ۱۳۶۷ تعداد ۷ روزنامه و در سال ۱۳۷۷ (به‌غیر از ۳۹ روزنامه توقیف و یا لغو مجوز شده)، ۵۱ روزنامه سراسری و محلی در سطح کشور منتشر شده است که از میان آنان ۷ روزنامه در سال ۱۳۷۴، یک روزنامه در سال ۱۳۷۵ و ۸ روزنامه در سال ۱۳۷۶ و ۹ روزنامه در سال ۱۳۷۷ شروع به انتشار کرده‌اند. در پایان سال ۱۳۷۲ در ایران برای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، ۲۶ تا ۳۲ نسخه روزنامه و ۲۳ نسخه نشریه وجود داشت، در حالی که در همان دوره در ترکیه به‌جای رقم ۲۳، رقم ۱۲۰۰ نسخه و در تونس ۱۱۰۰، در لبنان ۹۰۰ و در رومانی ۸۵۰ نسخه نشریه وجود داشت (میرسلیم، ۱۳۸۴، ص ۲۷۴).

با توجه به اولویت اقتصاد و غفلت از تقاضاهای موجود در بستر جامعه به‌ویژه در میان طبقه متوسط، در دهه دوم بعد از انقلاب و اواخر ریاست جمهوری هاشمی، شکاف میان دولت و مردم بیشتر شد. آنچه به این شکاف دامن زد، نبود مطبوعات و رسانه‌های آزاد و مستقل و فضای سیاسی باز در داخل کشور بود که عمده‌تاً تحت نظارت شدید دولت قرار داشت (Rahmani & Azghandi, 2016, p.5).

به فاصله دو سال و بعد از پیروزی خاتمی، گسترش مطبوعات به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی درآمد. در سال ۱۳۷۸، ۵۸ روزنامه با مجموع شمارگان حدود ۲/۸ میلیون نسخه در روز در ایران منتشر شده است که در تاریخ مطبوعات کشور بی‌سابقه است. لازم به ذکر است که در سال ۱۳۸۰، مجموعاً ۹۲

عنوان روزنامه و ۱۱۸۳ عنوان نشریات ادواری به زبان فارسی در سطح کشور چاپ و منتشر شده است (ایزدی، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

افزایش مطبوعات با هدف آزادی‌های اجتماعی و برخورداری شهروندان از حق آزادی اندیشه بود و در خصوص مطالب و تصاویر آن نیز اصل بر برائت و آزادی بود؛ مگر آنکه بر اساس قانون و حکم دادگاه مطبوعات، نشریات مشمول محدودیت قانونی شوند.

با گسترش آزادی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، انتشار انواع روزنامه و مجلات دگراندیش ازجمله ایران فردا، کیان، نگاه نو، آدینه، دنیای سخن تکاپو و گفتگو رواج یافت و قابلیت تفاسیر مختلف از دین و فراتر بودن دین از مرزهای ایدئولوژیک و... مطرح شد (دلفروز، ۱۳۹۳، ص ۲۵۴)؛ ازجمله نتایج این نشریات در کنار تضارب آرا و اندیشه‌های سیاسی و فلسفی، جابه‌جایی خطوط قرمز و ورود به حریمی چون نقد سیستم حکومتی و... بود که درنهایت به تعطیلی گسترده بسیاری از آن‌ها منجر شد.

پس از روی کار آمدن احمدی‌نژاد، با توجه به اینکه وی چندان اعتقادی به کار حزبی و مطبوعاتی نداشت، لذا مطبوعات در این دوره با استقبال قبلی دولت مواجه نشد. نشریات و رسانه‌های بسته‌شده در دولت‌های نهم و دهم، فهرست بلند بالایی دارد. از سال ۸۴ تا سال ۹۲ بیش از ۵۰ نشریه و رسانه، توقیف، لغو مجوز و توییح شدند تا جایی که اگر دوره اول دولت خاتمی را بتوان «بهار مطبوعات» نامید، به جرئت می‌توان از این دوره، با نام «خران مطبوعات» یاد کرد (بازتاب، ۲۸ بهمن ۱۳۹۶).

در دولت روحانی نگاه امنیتی به مطبوعات از سوی دولت رقیق‌تر شد. یکی از دلایل آن را می‌توان هم‌زمانی این دولت با گسترش شبکه‌های اجتماعی فراملی دانست. درواقع این شبکه‌ها به جایگزین لحظه‌ای رسانه و مطبوعات ملی تبدیل شدند. در زمان دولت وقت، شبکه‌های اجتماعی مجازی جای رسانه‌ها را پر کرده و به مصداق «رسانه‌های جایگزین»^{۱۰} در برابر «رسانه‌های جریان اصلی»^{۱۱} تبدیل به رسانه پیام‌رسان میان دولت و مردم شده‌اند.

۲-۱. تأثیر مطبوعات و رسانه‌های آزاد بر تضمین شفافیت

سن در بحث توسعه سیاسی به تضمین شفافیت و پیشرفت شعورمدار پرداخته و معتقد است با ایجاد اعتماد در جامعه به‌عنوان یک سرمایه ملی است که می‌توان به توسعه سیاسی دست یافت. به تعبیر سن با تخریب این اعتماد و رواج سانسور به‌عنوان یکی از اشکال ناآزادی، شکل‌گیری انواع فساد در جامعه امکان‌پذیر است (سن، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲).

وی در ادامه، ارتباط نزدیکی میان آزادی سیاسی و رفاه برقرار می‌کند و معتقد است که هرگز در هیچ کشور آزاد برخوردار از دولت مردم‌سالار و مطبوعات آزاد، در کشور مستقل، در کشوری که مرتب در آن انتخابات انجام می‌شود، دارای احزاب مخالف است که می‌توانند علناً انتقاد کنند و اجازه می‌دهد که روزنامه‌ها آزادانه گزارش دهند و منطق سیاست‌های دولت را فارغ از سانسور گسترده، زیر سؤال ببرند، هیچ نوع قحطی مهمی مشاهده نشده است (سن، ۱۳۹۶، ص ۲۸۰).

به نظر می‌رسد در صورت اعمال سانسور در رسانه و مطبوعات، با جهانی شدن دنیای امروز و فروریختن مرزبندی‌های ملی که از آن به‌عنوان آبریزان جهانی یا جهان شیشه‌ای یاد می‌شود، شبکه‌های اجتماعی و اطلاعاتی فاصله‌ها را از میان برداشته‌اند (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۶۳)؛ به تعبیر بهتر، دولت‌ها در این برهه با از دست دادن امکان سلطه بر دسترسی افراد جامعه به رسانه‌های فرامرزی تنها با حفظ اعتماد عمومی به‌عنوان سرمایه اجتماعی است که می‌توانند به تضمین شفافیت در توسعه سیاسی برسند.

واقعیت آن است که رسانه و مطبوعات ملی در دولت‌های قبلی تأثیر مهمی در نقش‌آفرینی افراد جامعه به‌ویژه در زمان انتخابات داشته‌اند. وجود روزنامه‌هایی که نهاد اصلی دولت بوده‌اند، مانند همشهری، سلام، شرق، آفتاب یزد، وطن امروز، همدلی، اعتماد، آرمان و... خود گویای این واقعیت انکارناشدنی است که مطبوعات در ایجاد موج در جامعه نقش اساسی ایفا کرده‌اند.

تدوین منشور حقوق شهروندی ایران در ۲۹ آذر ۱۳۹۵ به امضای رئیس‌جمهور وقت، حسن روحانی که از مجموع حقوق ۲۲ گانه‌ای که در این منشور ذکر شده، مواد

۲۵ تا ۲۹ آن را به حق آزادی بیان و اندیشه، دسترسی آزاد به مطبوعات و رسانه اختصاص داده، گویای آگاهی دولت به اهمیت جایگاه رسانه است. یافته‌های پژوهش حاکی از این واقعیت است که سیر رسانه و مطبوعات در دولت‌های بررسی شده معمولاً با محدودیت مواجه بوده است. واقعیتی که به تعبیر آمارتیا سن در کشورهای در حال توسعه بر حوزه تضمین شفافیت و مطبوعات آزاد خودنمایی می‌کند.

۲-۳. تعامل و جهان‌گرایی

در دولت هاشمی با روی کار آمدن عمل‌گرایان مصلحت‌محور با تأکید بر توسعه اقتصادی شاهد تنش‌زدایی در حوزه برخورد با دنیای خارج هستیم (یوسفی جویباری و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴، ص ۵۸).

با توجه به این سخن هاشمی که «در طول جنگ بیش از نیمی از درآمد کشور صرف هزینه‌های جنگی گردیده است» (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۱)؛ لذا سیاست آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی جانشین الگوی اقتصادی نامنظم و مختلط دهه قبل شد. این استراتژی همچنین مشارکت گروه‌های خارجی به‌گونه‌ای دوجانبه و چندجانبه را در بخش خصوصی و دولتی به‌عنوان الگوی مناسبی برای بهبود مدل اقتصاد در ایران در نظر گرفت. این امر در چارچوب برنامه (پنج‌ساله) اول توسعه محقق گردید (احتشامی، ۱۳۷۸، ص ۲۱).

بر این اساس، هاشمی بنا بر ماهیت کارگزارانه در حوزه سیاست خارجی متمایل به ایجاد ارتباط با دنیای خارج بود. تفکر حاکم بر اکثریت اعضای کابینه که دانش‌آموختگان خارج از کشور بودند، از یک‌سو، و ضرورت برقراری ارتباط با دنیای خارج برای گرفتن وام با هدف بازسازی‌های بعد از جنگ از سوی دیگر، بیانگر این واقعیت است که تعامل عمدتاً نه از سر باور به تکرار فرهنگی بلکه عمدتاً ناشی از الزامات خاص اقتصادی وقت بود.

با روی کار آمدن خاتمی گفتگوی تمدن‌ها و رویکرد تنش‌زدایی در شرایطی به‌عنوان استراتژی سیاست خارجی ایران انتخاب شد که از لحاظ بین‌المللی و روابط سیاسی ایران دچار یک انزوای نسبی شده بود. انتخاب این سیاست توانست ایران

را تا حدود زیادی از این وضعیت نجات داده و از فضای مصنوعی تنش و مقابله با کشورهای منطقه و اروپایی بکاهد و فضای گفتگو و همکاری را جایگزین آن کند. تغییر لحن و ادبیات دولتمردان ایران پس از دو دهه با استقبال سازمان‌های بین‌المللی و همچنین، دولت‌های جهان روبه‌رو شد. این ایده توانایی استفاده ایران از محافل و رسانه‌های رسمی و غیررسمی جهانی به‌منظور معرفی چهره حقیقی ایران را ایجاد کرد (کریمی مله، ۱۳۷۷، ص ۲۰۶). درواقع طرح گفتگوی تمدن‌ها از سوی خاتمی واقعیت سیاست امروز را نشان می‌دهد. اینکه ما باید برای ایجاد یک جامعه جهانی باثبات بر اساس احترام به آینده به یکدیگر ببینیم. در حرکت برای این هدف لازم است مسئولیت‌مان را نسبت به هم برای جامعه بزرگ‌تری از زندگی و نسل‌های آینده اعلام کنیم (Abdullah, Baharuddin, Leewei 2009, p306).

درواقع گفتگو تنها سازوکار ممکن در تضاد با برخورد تمدن‌هاست و به‌عنوان یک ضرورت میان مذاهب و فرهنگ‌ها می‌تواند با نگاه به پیش در فرایندی التیام‌بخش مشکلات عمیقی که ذات ابعاد مختلف فرهنگ مدرن بوده و بقای ما را تهدید می‌کند، فضیلت و ایدئالی است که باید دنبال شود (Abdullah, Baharuddin, Leewei 2009, p307).

به‌عنوان دستاوردهای گفتگوی تمدن‌ها در حوزه تعامل و جهان‌گرایی می‌توان چنین بیان کرد:

یک. با تأکید بر ارتباط میان ایرانیت و اسلامیت از سوی دولت نوعی موازنه بین این دو فرهنگ در هویت ایرانی مطرح شد.

دو. در نسل دوم بعد از انقلاب بسیار اثرگذار بود و بازتاب خود را در جلب آرای دور دوم خاتمی در بین جوانان نشان داد.

سه. این گفتمان قائل به گفتگوی میان ایران با تمدن غرب بود که در نقطه مقابل نظریه «برخورد تمدن‌های»^{۱۲} «ساموئل هانتینگتون»^{۱۳} قرار می‌گرفت و درنهایت، نقش خاتمی در گفتمان چندلایه خودی با دیگران داخلی و خارجی قابل توجه است (Holliday, 2016, p.106).

پس از تشکیل کابینه احمدی‌نژاد شاهد بازگشت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تا حدودی به دوره زمانی اول انقلاب هستیم؛ به‌طوری‌که می‌توان

در این ارتباط اصول برگرفته از گفتمان ایدئولوژیک حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در عوامل داخلی و بین‌المللی این دوره را نشانی بر این مدعا دانست. از جمله موضوع هسته‌ای ایران و فشار روزافزون بین‌المللی بر آن و بازرسی‌های مکرر نمایندگان آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای از مراکز فعال هسته‌ای در کشور به عنوان نمونه‌هایی از این عوامل هستند. برخی از صاحب‌نظران سیاست خارجی، این موضوع را در قالب گفتمان بنیادگرایی عدالت‌محور معرفی می‌کنند. از یک طرف این گفتمان تأکید بر اصول، اهداف و آرمان‌های انقلابی در سیاست خارجی دارد و از طرف دیگر، بر تلاش برای دستیابی به عدالت جهانی تأکید می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و ذبیحی، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

احمدی‌نژاد بارها در سخنرانی‌های خود ابا انتقاد از سیاست عقب‌نشینی خاتمی، و بر حقوق هسته‌ای کشور تأکید کرد. در این ارتباط، ما شاهد تعلیق همه مشارکت‌های هسته‌ای داوطلبانه با مؤسسات بین‌المللی و خودداری از هرگونه مطالبه اضافی از کشورهای غربی از یک طرف و اصرار بر حقوق هسته‌ای بر اساس اصول آرمان‌گرایانه هستیم که منجر به صدور سه مصوبه شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های اعمال شده پس از آن هستیم (Khashei Varnamkhasti & Pourmowla, 2018, p.49).

با شروع دولت یازدهم، روحانی با زبان بغض‌آلود و هماوردطلبانه در قبال آمریکا و غرب، پس از چندین دهه آرزوی نابودی غرب را کنار گذاشت و رفتاری مبتنی بر تعامل سازنده و احترام متقابل را در پیش گرفت؛ بر این اساس، گفتمان اعتدال در پی تحول چهره ایران از یک تهدید بالقوه به یک مطلوب اثرگذار بود و تعامل مؤثر و سازنده را دال مرکزی خود در سیاست خارجی قرار داد (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵، ص ۵۱).

اجزای گفتمان اعتدال‌گرایی مبتنی بر تعامل مؤثر و سازنده، تنش‌زدایی، پرهیز از رادیکالیسم، تعامل با جهان و تأکید بر اسلام میانه‌رو بود؛ به طوری که رئیس‌جمهور برنامه خود را این گونه معرفی کرد: تناسب آرمان‌ها با امکانات، انتخاب گفتمان مناسب، توجه به عرف و هنجارهای بین‌المللی، پیگیری اهداف از طریق اقناع افکار عمومی، مشارکت در ایجاد و هدایت فرایندهای منطقه‌ای، ضرورت اجتناب از رویکرد تقابلی و مخاصمه‌آمیز، تغییر روابط با کانون‌های قدرت بین‌المللی

از مخاصمه به رقابت، ضرورت تعامل با اقتصاد جهانی و تحقق توسعه، تداوم در سیاست‌ها تا حصول نتیجه (روحانی، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

گفتمان دولت اعتدال حداقل در چهار سال اول با تمرکز بر رفع تحریم‌ها و تعامل با جهان غرب، با در دست گرفتن کلید جادویی و اتخاذ سیاست توافق هسته‌ای، توانست آبی بر شعله تحریم‌ها ریخته و بهبود اقتصادی و افزایش همکاری با کشورهای غربی و همسایگان منطقه‌ای را به ارمغان آورد.

کابینه یازدهم با تکیه بر گفتمان تعاملی به جای گفتمان تقابلی با دنیای خارج، گزینه تحدید فعالیت‌های هسته‌ای را از میان سایر گزینه‌های انتخاب کرد؛ به عبارت دیگر، می‌توان این‌گونه بیان کرد که در زمینه هسته‌ای کابینه یازدهم از میان گزینه‌های تقابل بازدارنده به عنوان دال مرکزی گفتمان ستیزش، گزینه تعامل سازنده را انتخاب کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵).

شاخص دیگر تغییر در مواجهه دولت روحانی را می‌توان در جهت‌گیری دولت نسبت به دیگر اعضای نظام بین‌الملل جستجو کرد. در این زمینه کابینه یازدهم از میان گزینه‌های موجود در تعامل با دنیای خارج از جمله غرب (اروپا و آمریکاگرایی)، جهان سوم‌گرایی (کشورهای جنوب و جهان سوم)، شرق‌گرایی (چین و ژاپن) و روسیه‌گرایی محور سیاست خارجی خود را تعامل و ائتلاف با گزینه اول قرار داد؛ درحالی‌که در کابینه قبل (نهم و دهم) محور رابطه جهان سوم‌گرایی و تعامل با کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا بود (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

۲-۳-۱. ضرورت تعامل یا واقعیت پروا پیشگی؟

تأکید سن به وابستگی‌های عمیق متقابل و ارزشمند دانستن سایر فرهنگ‌ها واقعیتی است که در فرایند تعامل دولت‌های مورد بررسی به صورت رفتاری سینوسی دیده می‌شود. به باور سن ملیت‌گرایی یا تعصب فرهنگی و نادیده گرفتن وحدت فرهنگ‌ها در ارتباط با سایر کشورها می‌تواند بسیار مخرب باشد (سن، ۱۳۹۶، ص ۳۸۰).

بررسی شیوه تعامل دولت‌ها از دولت سازندگی تا دولت اعتدال و توسعه بیانگر آن است که:

وجود تصمیمات و برنامه‌های مقطعی متکی بر تفکر شخصی و نبود یک استراتژی منسجم در تعامل با دنیای خارج واقعیت امروز جهان‌گرایی در کشور ماست. نزدیکی مصلحت‌محور دولت هاشمی، گفتگوی منفعت‌محور دولت اصلاحات و طرد بنیادگرایانه و عدالت‌محور دولت احمدی‌نژاد، زمینه‌های ایجاد تعاملی سایشی در دولت وقت را ایجاد کرده است.

واقعیت حضور تفکر پروا پیشگی نسبت به جهان خارج به‌ویژه دنیای غرب باعث گردیده رویکرد نخبگان عمدتاً در پارادایم سخت‌افزاری امنیت ملی باقی بماند و جای خالی توجه به قابلیت‌ها که مورد تأکید آمارتیا سن است، نمود بیشتری دارد.

جمع‌بندی

بررسی توسعه سیاسی در ایران از دیدگاه آمارتیا سن بر اساس سنجه‌هایی همچون احزاب سیاسی، تضمین شفافیت، مطبوعات آزاد، تعامل و جهان‌گرایی در دولت‌های روی کارآمده پس از انقلاب بیانگر آن است که به‌رغم تلاش‌های بسیار صورت گرفته تا رسیدن به نقطه مطلوب نیاز به تلاش بیشتری داریم.

در خصوص احزاب سیاسی و نقش افراد جامعه به‌عنوان شهروندان فعال موردنظر سن، یافته‌های تحقیق کارآمدی مقطعی احزاب را نشان می‌دهد. وجود احزاب سیاسی دولتی و منقطع از جامعه هرچند در دوره‌های زمانی مختلف موفق به ایجاد موج در جامعه گردیده ولی نتوانسته نقش‌آفرینی منسجم و مستمری داشته باشند.

بررسی مطبوعات و رسانه گویای آن است که به‌جز مطبوعات دولتی که معمولاً در مصونیت قرار دارند، همواره در کش‌وقوس سانسور یا توقیف بوده و در صورت حرکت در مسیر تضمین شفافیت موردنظر آمارتیا سن با مانع مواجه بوده‌اند. فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی نیز در چند سال اخیر به این تحدید مطبوعات اضافه شده است. نقش دولت در تعامل و جهان‌گرایی معمولاً با تناقض در سیاست‌های اعلامی و رفتار اعمالی همراه بوده، چنانکه نبود یک رویکرد منسجم در سیاست خارجی دولت‌های روی کارآمده مؤید این واقعیت است که در مسیر پذیرش تکثر فرهنگی و جهان‌گرایی موردنظر سن نیازمند تدبیر بیشتری هستیم.

در حرکت به سوی توسعه سیاسی بر اساس دیدگاه نظری آمارتیا سن به وجود آزادی فعالیت احزاب برای تحقق قابلیت‌ها در شهروندان فعال، مطبوعات و رسانه آزاد برای برقراری تضمین شفافیت و نیل به یک رویکرد جامع در جهان‌گرایی همچنان به عملکرد مؤثر و سازنده دولت نیازمندیم.

تلاش‌های دولتمردان طی چهل سال اخیر دستاوردهای زیادی را در مسیر پرسنگلاخ توسعه سیاسی در ایران به همراه داشته است. تصویب قوانین برنامه توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حرکت در جهت اجرای آن، برگزاری انتخابات منظم مجلس و ریاست جمهوری با هدف مشارکت هرچه بیشتر شهروندان، عرصه اقداماتی بوده که اذعان به آن منطقی و ضروری است.

به باور آمارتیا سن آزادی در نقش راهبردی، فرایندی را می‌طلبد که شناخت اولویت‌ها و فرصت‌ها، چالش‌های سنتی، دولتی و گروهی و ساختاری موجود را بر سر راه نیل به توسعه تبیین و ضرورت این آزادی‌ها را به باور تبدیل کند. وجود انسان‌های باورمند خود مستلزم جامعه‌ای مردم‌سالار برای تلاش در راستای ایفای حقوق و آزادی‌هاست. اگر به باور سن توسعه را فرایندی پویا در جستجوی آزادی بدانیم، بازیابی آزادی‌های موردنظر برای رسیدن به توسعه ضرورت امروز دولت و جامعه را بیش از هر زمان دیگر نشان می‌دهد.

یادداشت‌ها

1. development
2. Amartya Sen
3. transparency guarantees
4. political freedoms
5. justice
6. economic facilities
7. social opportunities
8. protective security
9. unfreedom
10. alternative media
11. main stream media
12. The clash of civilizations
13. Samuel P. Huntington

- آجیلی، هادی و افشاریان، رحیم (۱۳۹۵). «گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ش ۱۹، ۴۳-۷۳.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸). *گذار از بحران جانشینی*، تهران: قومس.
- ارسطو (۱۳۹۰). سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: امیرکبیر.
- اکبری، کمال (۱۳۸۸). «نقش احزاب در سیاست پس از انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۴۷، ۵۳-۷۷.
- / *ایرنا* (۷ بهمن ۱۳۰۷). «۴۰ مجوز حزب جدید در دولت تدبیر و امید صادر شد»، کد خبر: ۸۳۱۸۵۲۶۳.
- ایزدی، رجب (۱۳۸۴). «مبانی جامعه‌شناختی جنبش دوم خرداد»، پایان‌نامه دوره دکترا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
- / *بازتاب* (۲۸ بهمن ۱۳۹۶). «چند نشریه در دوره احمدی‌نژاد بسته شد؟»، کد خبر: ۲۲۵۹۶۵.
- جاویدی، طاهره و مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۵). «رویکرد تطبیقی به دلالت‌های تربیتی نظریه‌های دموکراسی، چالش میان نظریه‌های لیبرال، جماعت‌گرا و تفاهمی»، *مطالعات اسلامی*، ش ۷۱، ۹-۶۳.
- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۳). *دولت و توسعه اقتصادی: اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا*، تهران: آگاه.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و ذبیحی، رضا (۱۳۹۱). «تأثیر هویت اسلامی انقلابی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در موضوع هسته‌ای: دوره خاتمی و احمدی‌نژاد»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۵۹، ۷۵-۹۸.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۳). «گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۱۷، ش ۱، ۸۸-۱۲۰.
- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۴). «رویکردهای چهارگانه تجزیه و تحلیل سیاست خارجی مورد دولت یازدهم»، فصلنامه روابط خارجی، بهار، س ۷، ش ۱، ۹۳-۱۱۹.
- رحمان‌زاده، علی (۱۳۸۹). «کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن»، فصلنامه راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، زمستان، دوره ۱، ش ۱، ۴۹-۷۸.
- رضوی، مسعود (۱۳۷۶). *هاشمی و انقلاب*، تهران: همشهری.

- روحانی، حسن (۱۳۹۰). *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زائری، قاسم (۱۳۸۴). «بحران اخلاق مدرنیته و نظریه اخلاق مک‌اینتایر» *فصلنامه راهبرد*، ش ۳۶، ۴۵۵-۴۶۶.
- سفیری، مسعود (۱۳۷۹). *حقیقت‌ها و مصلحت‌ها؛ گفتگو با هاشمی رفسنجانی*، تهران: نی. سن، آمارتیا (۱۳۷۹). *برابری و آزادی*، ترجمه حسن فشارکی، تهران: نشر شیرازه.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۶). *توسعه یعنی آزادی*، ترجمه محمدسعید نوری نایینی، تهران: نشر نی.
- شفیعی‌فر، محمد (۱۳۹۴). «روند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۰۳-۱۲۴.
- صادقی، رحمت‌الله (۱۳۷۸). *هاشمی رفسنجانی در بوته نقد؛ نگاهی به آینه مطبوعات*، تهران: انتشارات گفتمان.
- قریشی، فردین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر و زائر کعبه، رحیم (۱۳۹۶). «تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت احمدی‌نژاد و روحانی»، *دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ش ۲، ۱۴۳-۱۸۰.
- کریمی‌مله، علی (۱۳۷۷). «جستاری پیرامون ایده گفتگوی تمدن‌ها»، *فصلنامه گفتمان*، ش ۳، ۲۰۳-۲۱۴.
- مرتجی، حجت (۱۳۷۸). *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*، تهران: نقش و نگار.
- میرسلیم، مصطفی (۱۳۸۴). *جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.
- همشهری (۱ مهر ۱۳۹۱). «نمودار توسعه احزاب در ۲۲ سال؛ کدام دولت‌ها بیشترین و کمترین مجوز را دادند؟»، *کد خبر*: ۱۸۵۲۶۳.
- یوسفی جویباری، محمد و دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۴). «تبیین تطبیقی الگوی روابط خارجی ایران در دو دولت بازرگان و هاشمی رفسنجانی» *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره چهارم، ش ۳، ۵۷-۸۴.
- Baharuddinazizan, Abdullahraihanah, Leewei (2009). "Changdialogue of civilization: anIslamic perspective", *Journal of Dharma*, july-september.
- Ehteshami, Anoush & Zweiri, Mahjoob, (2007). *Iran and the rise of its neoconservative*, I.B. tauris & co ltd

- Holliday, J. Shabnam (2016). *Defining Iran: politics of resistance*, University of Plymouth, UK, p.106.
- Khashei Varnamkhasti, Vahid & Pourmowlla, Mohammadmansour (2018). "Political discourse of ahmadinajad government and trade interactions of Iran and European union", *Journal of Advanced Pharmacy Education & Research*, 53-45.
- Rahmani, Kamran & Azghandi, Alireza (2016). "Islamic revolution of Iran and political development issue". 1997-2055, *Journal of Political and Law*, vol.9, no.10, 31-41.